بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم - 22 /خرداد/ 1392

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی شما برادران، خواهران، جوانان عزیز که از راه‌های دور و نزدیك زحمت کشیدید و روز عید ما را به معنای واقعی کلمه عید کردید. اجتماع دوستان اهل‌بیت، دوستان سیّدالشّهدا، لبهای خندان، دلهای شاد به مناسبت میلاد باسعادت حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السّلام حقیقتاً روز عید را یك عید واقعی میکند.
امیدواریم ملّت ایران همواره در همه‌ی احوال، در گذشت زمان، روزبه‌روز ان‌شاءالله با توسّل به ذیل عنایت الهی و با توجّه به اهل‌بیت علیهم‌السّلام و به معارف اسلامی، روزبه‌روز ان‌شاءالله موفّق‌تر و سربلندتر و شادتر باشد.

روز میلاد حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌الصّلاةوالسّلام روز باعظمتی است. به فرمایش مرحوم آقای حاج میرزا جواد آقای تبریزی ملکی - عالمِ فقیهِ عارفِ بزرگوار - عظمت روز سوّم شعبان را باید از به‌عنوان پرتوی از عظمت حسین‌بن‌علی به‌حساب آورد و به‌شمار آورد ؛ روز بزرگی است. در این روز کسی متولّد شد که سرنوشت اسلام، به او، به حرکت او، به قیام او، به فداکاری او، به اخلاص او بسته بود. این بزرگوار در تاریخ بشریّت، یك حرکتی را - که نظیر و شبیهی ندارد - ارائه‌ی به تاریخ کرد و در مقابل چشم بشریّت گذاشت که هرگز فراموش نخواهد شد ؛ الگو است. فداکاری برای هدف الهی، در آن حجم، در آن مقیاس عظیم ؛ فداکاری به معنای دادن جان خود، جان عزیزان ؛ اسارت حرم اهل‌بیت، با آن وضع، با آن فجاعت ؛ تحمّل این حادثه‌ی سخت، برای اینکه اسلام بماند، برای اینکه ظلم‌ستیزی به‌عنوان یك اصل در تاریخ اسلام و در تاریخ بشریّت به یادگار بماند ؛ این چیزی است که دیگر نظیری برای آن نمیشود پیدا کرد. خیلیها در راه خدا شهید شدند، در رکاب پیغمبر، در رکاب امیرالمؤمنین، در رکاب انبیاء الهی، هیچ‌کدام با حادثه‌ی کربلا قابل مقایسه نیست. فرق است بین آن کسی که در میان هلهله و تحسین یاران و همراهان و به امید فتح و پیروزی وارد میدان میشود میجنگد و بعد شهید میشود و به خاك هلاك می‌افتد - که البتّه اجر بسیار بالایی دارد - و بین آن جماعتی که در یك دنیای تاریك و ظلمانی، در هنگامی که همه‌ی سرجنبانان بزرگ دنیای اسلام از همراهی با آنها سر باز میزنند بلکه آنها را بر این اقدام ملامت هم میکنند، امید یاری از هیچ‌کس نیست، کسی مثل عبدالله‌بن‌عباس آنها را منع میکند، کسی مثل عبدالله‌بن‌جعفر آنها را منع میکند، یاران و مخلصان و علاقه‌مندان در کوفه از همراهی با او سر باز میزنند، تنهای تنها، فقط با تعداد معدودی از یاران مخلص، و با خانواده - با همسر، با خواهر، با خواهرزاده‌ها، با برادرزاده‌ها، با جوانان، با فرزند شش ماهه - وارد میدان میشود. این یك حادثه‌ی عجیبی است ؛ یك منظره‌ی پرشکوهی است در تاریخ که در مقابل چشم بشریّت گذاشته شده است. امام حسین علیه‌السّلام خود را برای یك چنین روزی آماده میکرد.

البتّه زندگی حسین‌بن‌علی علیه‌السّلام در طول تاریخ زندگی پنجاه و چند ساله‌ی آن بزرگوار، همه درس است: دوران کودکی او درس است، دوران جوانی او درس است، در دوران امامت امام حسن علیه‌السّلام رفتار او درس است، بعد از شهادت امام حسن علیه‌السّلام رفتار او همه درس است. این‌جور نبود که کار امام حسین فقط در آن روز آخر باشد، لکن حادثه‌ی کربلا این‌قدر عظمت دارد، این‌قدر درخشنده است که مثل خورشیدی همه‌ی نورهای دیگر را تحت‌الشّعاع قرار میدهد ؛ والّا خطابه‌ی امام حسین علیه‌السّلام خطاب به علما و بزرگان و صحابه و تابعین در منی - که در کتب حدیث ذکر شده است - یك سند تاریخی است ؛ نامه‌ی آن بزرگوار خطاب به علما و بزرگان و پایه‌ها و ارکان دینی در زمان خودش - «ثُمّ انتُم ایّتُها العِصابَة، عِصابَةٌ بِالعِلمِ مَشهورَة» (۱) که در کتب معتبر حدیث نقل

شده است - یك سند تاریخی مهم است ؛ رفتارهای آن بزرگوار ؛ برخوردش با معاویه، نامه‌اش به معاویه ؛ حضورش در کنار پدر در دوران کوتاه خلافت امیرالمؤمنین علیه‌الصّلاةوالسّلام ؛ همه‌ی اینها قدم‌به‌قدم درس است ؛ منتها حادثه‌ی عاشورا چیز دیگری است. امروز روز ولادت این بزرگوار است ؛ در این روز باید از حسین‌بن‌علی درس آموخت ؛ درس حسین‌بن‌علی علیه‌الصّلاةوالسّلام به امّت اسلامی این است که برای حقّ، برای عدل، برای اقامه‌ی عدل، برای مقابله‌ی با ظلم، باید همیشه آماده بود و باید موجودی خود را به میدان آورد ؛ در آن سطح و در آن مقیاس، کار من و شما نیست ؛ امّا در سطوحی که با وضعیّت ما، با خُلقیّات ما، با عادات ما متناسب باشد چرا ؛ باید یاد بگیریم.

امروز خوشبختانه ملّت ایران این درس را از حسین‌بن‌علی آموخته است. سی و چند سال است که قاطبه‌ی ملّت ایران در این راه حرکت میکند ؛ حالا بالاخره یك نوادر و یك شواذّی هم گوشه کنار هستند امّا حرکت قاطبه‌ی ملّت ایران در جهت و حرکت حسین‌بن‌علی است. سرنوشت آن بزرگوار شهادت بود امّا درس او فقط درس راه شهادت نیست. این حرکت حرکت بابرکتی است، گاهی ممکن است مثل ماجرای حسین‌بن‌علی علیه‌السّلام منتهی به شهادت بشود، امّا این حالت، این روحیّه، برای اقامه‌ی دین خدا و همه‌ی برکاتی که بر اقامه‌ی دین خدا مترتّب است مفید است. ملّت ایران با این روحیّه وارد میدان شد، یك بنای ظلمِ ملّی و بین‌المللی را در ایران ویران کرد، به جای آن بنای اسلامی پایه‌گذاری کرد. این‌جور نیست که حالا هر کس راه حسین‌بن‌علی را رفت، حتماً آخر کار بایستی به صورت ظاهر، به شکل دنیایی، ناکامی باشد ؛ نخیر، این راه را، این درس را در مقابل چشم بشریّت گذاشته‌اند، میگویند اگر دنیا هم میخواهی، اگر عزّت هم میخواهی، در این راه است ؛ باید حرکت کنی. ملّت ایران این را تجربه کرده است ؛ این را باید قدر دانست. ملّت ایران حسینی و عاشورائی وارد میدان شد، در یك انقلاب عظیم و شاید بشود گفت بی‌نظیر در این سده‌های طولانی که جلوی چشم ما است - لااقل کم‌نظیر - پیروز شد. ملّت ایران این روش را اتّخاذ کرد، تا امروز روزبه‌روز پیش رفت. البتّه دشمنها با وسائل تبلیغاتیشان، با بلندگوهایشان حاضر نیستند صریحاً اعتراف بکنند به پیشرفت ملّت ایران امّا مردم دنیا کور که نیستند، می‌بینند دیگر ؛ ایرانِ دوران طاغوت کجا، ایرانِ جمهوری اسلامی کجا؟ ایرانِ سال ۵۷ کجا، ایرانِ سال ۹۲ کجا؟ در علم، در سیاست، در امنیّت، در تسلّطِ بر حوادث منطقه، در تأثیر در حوادث جهان، در امید و اعتمادبه‌نفس در پیمودن راه عزّت و سعادت، امروز کجا، دیروز کجا؟ امروز ملّت ایران دارد میتازد به طرف جلو. و ان‌شاءالله روزبه‌روز این ادامه خواهد داشت ؛ این را به شما عرض بکنم ؛ همه‌ی قرائن این را نشان میدهد. خب این یك فصل است.

در کنار این فصل، این را هم عرض بکنیم که با قطع نظر از سوّم شعبان، ما وارد ماه شعبان شدیم. ماه عبادت، ماه توسّل، ماه مناجات ؛ وَ اسمَع دُعائی اِذا دَعَوتُك، وَ اسمَع نِدائی اِذا نادَیتُك ؛ (۲) فصل مناجات با خدای متعال، فصل مرتبط کردن این دلهای پاكْ با معدن عظمت، با معدن نور ؛ این را قدر باید دانست. این مناجات شعبانیّه یك تحفه‌ای است که در اختیار ما قرار داده شده است. خب ما دعا خیلی داریم، همه‌ی این دعاها هم پر از مضامین عالی است، امّا بعضی یك برجستگی خاصّی دارند. من از امام بزرگوار (رضوان الله علیه) سؤال کردم، گفتم در میان این دعاهایی که از ائمّه علیهم‌السّلام رسیده است، شما به کدام دعا بیشتر علاقه‌مندید و دلبسته‌اید؟ فرمودند به دعای کمیل و مناجات شعبانیّه ؛ به این دو دعا. امام یك دلِ متوجّه به خدا بود، اهل توسّل بود، اهل تضرّع بود، اهل خشوع بود، اهل اتّصال با مبدأ بود ؛ وسیله‌ی بهتر در چشم او، این دو دعا بود: دعای کمیل، مناجات شعبانیّه. وقتی انسان مراجعه میکند به این دو دعا، دقّت میکند، می‌بیند چقدر هم شبیه همند این دو دعا ؛ شباهتهای زیادی به هم دارند ؛ مناجات انسان خاشع، مناجات انسان متوکل به خدا ؛ کانّی بِنفسی واقِفَةٌ بَینَ یَدَیك، وَ قَد اَظَلّها حُسنُ تَوَکّلی عَلَیك، فَقُلتَ ما اَنتَ اَهلُه، وَ تَغَمّدتنی بِعَفوك ؛ (۳) امید، امید به مغفرت الهی، به رحمت الهی، به توجّه الهی،

بلندهمّتی در درخواست از پروردگار ؛ اِلهی هَب لی کمالَ الانقِطاعِ اِلَیک، و انِر اَبصارَ قُلوبِنا بِضیاءِ نَظرِها اِلَیک. (۴) ماه شعبان یك چنین ماهی است ؛ دلهای پاك، دلهای نورانی، دلهای جوان، از این موقعیّت بهره بگیرند، استفاده کنند، رابطه‌تان را با خدا قوی کنید.

در این راه عظمت و عزّتی که ملّت ایران در پیش دارد، توجّه به خدا و توکل به خدا و ارتباط با خدا، یك نقش بزرگ و اساسی دارد. عدّه‌ای غافلند، همه‌اش روی محاسبات مادّی محض محاسبه میکنند ؛ در محاسباتشان معنویّت و کمك الهی و توکل به خدا و حسن ظنّ به وعده‌ی الهی کأنّهُ هیچ راهی ندارد. خب این محاسبات مادّی را مستکبرین عالم هم دارند میکنند، بهتر از شما هم میکنند، چرا روزبه‌روز عقب میروند؟ چرا دچار این همه مشکلات میشوند؟ چرا مجبور میشوند ظلم کنند؟ چرا مجبور میشوند لشگرکشی کنند - به افغانستان، به عراق، به پاکستان - انسانهای بی‌گناه را بکُشند؟ وَ اِنّما یَحتاجُ اِلَی الظُّلمِ ضَعیف ؛ (۵) آن کسی که ضعیف است احتیاج دارد به این‌که ظلم بکند ؛ ضعیفند که ظلم میکنند ؛ چون دستشان با سلاح آشنا است، این سلاح را بی‌محابا به کار میبرند، ظالمانه، متجاوزانه، خودسرانه ؛ خب این خودش عقب‌رفت است، هم عقب‌رفت در معیارهای معنوی، هم عقب‌رفت در محاسبات مادّی. روزبه‌روز تمدّن غرب دارد مشکلات بیشتری در اطراف خود میتند، و این مشکلات اینها را از پا خواهد انداخت ؛ این به‌خاطر قطع ارتباط با مبدأ هستی است ؛ این به‌خاطر قطع ارتباط با معدن نور و عظمت است ؛ فَتَصِلَ اِلَی مَعدِنِ العَظَمَة، و تَصیرَ اَرواحُنا مُعَلّقَةً بِعِزّ قُدسِك ؛ (۶) اینها لازم است. امروز برای ملّت ایران این زمینه آماده است.

من همین جا وارد مسئله‌ی انتخابات بشوم. گفتیم "حماسه‌ی سیاسی" ؛ این حماسه‌ی سیاسی امروز شروع شده است. البتّه روز جمعه نقطه‌ی اوج این حماسه است ؛ امّا امروز بحمدالله انسان میبیند در کشور حماسه‌ی سیاسی شروع شده است. انتخاباتْ امسال رنگ و بوی دیگری دارد. همه‌ی دنیا چشمها را دوخته‌اند به این انتخابات ؛ دشمنان ملّت ایران چشمشان به این انتخابات است، دوستان ملّت ایران هم همین‌طور ؛ میخواهند ببینند ملّت ایران چه خواهد کرد. دشمنان پولها خرج کردند، زحمتها کشیدند، سیاستها به کار بستند، به قول خودشان اتاقهای فکر تشکیل دادند، برای اینکه راهی پیدا کنند تا ملّت ایران را از نظام اسلامی جدا کنند. ملّت ایران با حضور در پای صندوقهای رأی، با شرکت در رأی دادن، ارتباط و اتّصال مستحکم خودش را با نظام اسلامی دارد اثبات میکند. این جلوی چشم مردم است. ملّت ایران با این شور و شوقی که امروز مشاهده میشود - که خب بحمدالله شور و شوق مبارکی است - به امید خدا، با توکل به پروردگار، با همّت ملّت عزیز، این حماسه به معنای واقعی تحقّق خواهد یافت ؛ یك نمایش قدرتی است، هم برای ملّت ایران، هم برای نظام جمهوری اسلامی، در مقابل چشم دشمنان. این‌همه تلاش کردند ملّت را جدا کنند، بی‌تفاوت کنند، نسبت به انتخابات بدبین کنند، نسبت به دستگاه برگزارکننده‌ی انتخابات بدبین کنند، امّا ناکام شدند و ان‌شاءالله ناکام خواهند شد. این یك تجربه‌ی مهم و بزرگی است در مقابل ملّت ایران. بنده اصرارم بر حضور حدّاکثری و عمومی ملّت ایران به‌خاطر این است که می‌بینم و میدانم که حضور یکپارچه‌ی مردم، حضور پرشوق و امیدوارانه و قدرتمندانه‌ی مردم موجب میشود که دشمن مأیوس بشود ؛ وقتی دشمن مأیوس شد، کارآیی خود را از دست خواهد داد. اینکه ملاحظه میکنید دشمن در عرصه‌های مختلف، از زاویه‌های مختلف، گاهی تعرّضی، تجاوزی، پیش‌رفتی انجام میدهد، به‌خاطر این است که کسانی به او چراغ سبز میدهند، دشمن را امیدوار میکنند. بعضی از حرفها دشمن را امیدوار میکند ؛ بعضی از قیافه‌گرفتن‌ها و رفتارها دشمن را امیدوار میکند. وقتی دشمن امیدوار شد، بر فشار خود می‌افزاید ؛ وقتی دشمن ناامید شد، طبعاً خواهد دید فشار فایده‌ای ندارد، راه دیگری را دنبال میکند. مصونیّت کشور، وابسته‌ی به حضور مردم است ؛ کم شدن فشارهای دشمنان، وابسته‌ی به حضور مردم است، وابسته‌ی به اتّحاد و انسجام مردم با نظام و با دستگاه جمهوری اسلامی و

حسّ اعتماد متقابل بین مردم و مسئولین است. این حسّ باید روزبه‌روز تقویت بشود.

بحمدالله روال انتخابات تا امروز روال خوبی بوده است. یکی از نکات برجسته و مثبتی که انسان مشاهده میکند - با خبرهایی که داریم، با اطّلاعات آشکاری که وجود دارد - این است که گفتمان مردم در این انتخابات، گفتمان قانون‌گرایی است ؛ با هر کسی صحبت میکنند، مصاحبه میکنند، مردم از تبعیّت از قانون میگویند ؛ این خیلی حادثه‌ی باارزش و برجسته‌ای است ؛ قانون‌گرایی. از بی‌قانونی مردم لطمه دیدند ؛ در سال ۸۸ عدم تبعیّت از قانون، لگد زدن به قانون، به کشور لگد زد ؛ این را مردم دیدند. یکی از پدیده‌های برجسته‌ی امروز این است که مردم نگاهشان، گرایششان قانون‌گرایی است. خوشبختانه تا امروز، هم مسئولین، هم نامزدهای مختلف و محترم رعایت کردند جهات قانونی را، مراعات کردند ؛ ان‌شاءالله بعد از این هم همین خواهد بود. یك نكته‌ی مهم این است.

یك نكته‌ی مهمّ دیگر این است که با حرکتی که صداوسیما انجام داد - اینکه نامزدهای مختلف، با گرایشهای مختلف، هشت نفر با هشت گرایش، با هشت نوع نگاه نسبت به مسائل گوناگون کشور، آمدند در مقابل چشم مردم نشستند حرفهایشان را زدند - یك عدّه‌ای که سالها است نعره میکشند که در این کشور آزادی بیان نیست، خجالت‌زده شدند. این کاری که صداوسیما کرد، مردم را در جریان افکار و آراء و نظرات و نگاه‌های نامزدها به صورت روبه‌رو قرار داد، این خیلی کار به نظر من مفید و باارزشی بود. یك عدّه‌ای سالها مرتّب نعره میزدند: آقا نمیگذارند، تریبون نمیدهند! بفرمایید، این هم تریبون، این هم حرف ؛ نه برای یك گرایش خاص، برای هشت گرایش ؛ آقایان هشت نفر بودند آن روز، هشت جور نسبت به مسائل کشور حرف زدند - تحلیلهای گوناگون، نظرات گوناگون - خب نظرات اشخاص محترم است. البتّه بنده حرفهایی دارم، در زمینه‌ی مسائلی که آن آقایان گفتند بنده مطالبی دارم، وقتش حالا نیست ؛ ان‌شاءالله بعد از انتخابات اگر من زنده بودم، حقایقی را به ملّت ایران عرض خواهم کرد - در پیرامون مطالبی که آن آقایان محترم بیان کردند، حرفهای گفتنی‌ای وجود دارد - لکن این خیلی خوب بود، برای ما خوشحال‌کننده بود. دشمنان جمهوری اسلامی، تهمت‌زنندگان به جمهوری اسلامی، خجالت‌زده شدند ؛ دیدند این‌جور راحت، آزاد، نامزدها می‌آیند حرف میزنند، به یکی حمله میکنند، از یکی دفاع میکنند، سیاستی را محکوم میکنند، جریانی را اثبات میکنند. جریانهای فکری و سیاسی کشور به طور کامل، در این مناظرات حضور داشتند ؛ این یکی از نقاط قوّت انتخابات امسال بود. مردم هم احساس گرایشهای پرشور در خودشان میکنند، بدون اینکه تعرّضی وجود داشته باشد. سال ۸۸، آن روز هم شور و هیجان بود منتها همراه با فحش و فضیحت! در این شهر تهران - حالا شهرستانها کمتر - مردم در این خیابانها راه میرفتند، یك عدّه به این یك عدّه به آن، یك عدّه علیه این یك عدّه علیه آن، شعار میدادند، حرف میزدند، به همدیگر میپریدند، بعضی‌ها در این بین پیدا میشدند بددهنی میکردند، فحش میدادند ؛ در این انتخابات نه، شور و هیجان هست، احساسات هست، امّا بی‌ادبی نیست، بی‌احترامی نیست. این خیلی باارزش است ؛ ما در چهار سال این‌قدر پیشرفت کردیم ؛ خدا را شکر بر این پیشرفت و بر همه‌ی پیشرفتهای فراوان دیگری که در این سالها بحمدالله برای کشور پیش آمده است.

من توصیه‌ی اوّل و اهمّم حضور در پای صندوقهای رأی است ؛ این از همه چیز مهم‌تر است برای کشور. ممکن است بعضیها - حالا به هر دلیلی - نخواهند از نظام جمهوری اسلامی حمایت بکنند امّا از کشورشان که میخواهند حمایت کنند، آنها هم باید بیایند پای صندوق رأی. همه باید بیایند پای صندوقهای رأی، حضور خودشان را اثبات کنند. هر کسی که انتخاب خواهد شد - که تقدیر الهی را ما نمیدانیم - اگر چنانچه آراء بیشتری از مردم را داشته باشد، در صورتی که دارای رأی سدید و خوبی باشد، بهتر میتواند از آن رأی دفاع کند ؛ میتواند در مقابل معارضین کشور

بایستد. کشور ما دشمن دارد، معارض دارد. در عرصه‌ی بین‌المللی، دشمن بین‌المللی دشمنی نیست که با رودربایستی و با من بمیرم، تو بمیری کنار بکشد ؛ در دنیا سیاست این‌جوری نیست که با رودربایستی بگوییم: طرف را خجالت‌زده کنیم، مثلاً عقب بکشد ؛ نخیر، هرچه شما ضعف نشان بدهید، او می‌آید جلو ؛ هرچه شما عقب بکشید، او جری‌تر میشود. این را ما تجربه کردیم ؛ یك جاهایی عقب کشیدیم، دشمن ما جری‌تر شد ؛ یك چیزی او گفت، ما به خیال یك مصلحتی حرف او را قبول کردیم، دیدیم پایش را گذاشت روی آن حرف، یك قدم آمد جلو ؛ دشمن این‌جوری است. در مقابل دشمن بین‌المللی، با اراده‌ی قوی، با احساس عزّت، با اعتماد به این ملّت - به این ملّت باید اعتماد کرد، ملّت ما ملّت شجاع و رشیدی است - و با توکل به خدای بزرگ و با حسن ظنّ به وعده‌ی الهی، بایستی راه را انتخاب کرد، با نگاه صحیح، عاقلانه، مدبّرانه پیش رفت، آن وقت خدای متعال هم به این‌چنین کاری برکت خواهد داد و توفیقات الهی شامل حال همه خواهد شد.

بنده امیدوارم به فضل پروردگار و به لطف الهی که ان‌شاءالله این امتحانی که در پیش داریم - امتحان روز جمعه‌ی آینده، امتحان انتخابات، امتحان حضور در پای صندوقهای رأی - خدای متعال کمك کند و ملّت ایران ان‌شاءالله در این انتخابات موفّق و پیروز بشود ؛ بحوله و قوّته.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۱) تحف‌العقول، ص ۲۳۷

۲) مفاتیح الجنان، مناجات شعبانیّه

۳) همان

۴) همان

۵) صحیفه‌ی سجّادیّه، دعای ۴۸

۶) همان